

# نقد عکس

درآمدی بر درک تصویر

تری برت

ترجمه‌ی

اسماعیل عباسی کاوه میرعباسی



نشر مرکز

## فهرست

یه	یادآوری چند نکته
۱	<b>فصل اول درباره نقد هنر</b>
۳	تعریف نقد
۵	منابع نقد
۸	انواع نقد
۱۰	پیشینه منتقد
۱۲	چگونگی برخورد با نقد
۱۵	روابط منتقد و هنرمند
۱۷	نقد نقد
۲۰	ارزش نقد
۲۲	<b>فصل دوم توصیف عکس</b>
۲۲	تعریف توصیف
۲۳	توصیف نمایشگاه «در غرب امریکا»ی اودون
۲۸	توصیف مطلب
۳۷	توصیف فرم
۴۰	توصیف کارماده
۴۳	توصیف سبک
۴۴	مقایسه و نشان دادن تضادها
۴۵	منابع اطلاعاتی درونی و بیرونی

۴۸	توصیف و تفسیر
۴۹	توصیف و ارزیابی
۵۰	اهمیت توصیف برای خواننده
۵۲	<b>فصل سوم تفسیر عکس</b>
۵۴	تعریف تفسیر
۵۸	موضوعات تفسیر
۶۲	ادعاها و استدلالهای تفسیری
۶۵	جنبه‌های تفسیر
۶۵	سه تفسیر درباره الینور
۶۷	سایر استراتژیهای تفسیر
۷۳	تلفیق شیوه‌های تفسیری
۷۳	تفسیرهای «صحیح»
۷۶	تفسیرها و نیت هنرمند
۷۸	تفسیرها و احساسات
۷۹	تفسیر، معنا و مفهوم شخصی
۸۰	جمع مفسران
۸۱	<b>فصل چهارم انواع عکس</b>
۸۳	دسته‌بندی عکسها
۸۷	عکسهای توصیفی
۸۸	عکسهای توضیحی
۹۷	عکسهای تفسیری
۱۰۱	عکسهای ارزیابی اخلاقی
۱۰۹	عکسهای ارزیابی زیبایی‌شناختی
۱۱۸	عکسهای نظری
۱۲۴	استفاده از دسته‌بندیها
۱۳۰	<b>فصل پنجم عکسها و زمینه‌ها</b>
۱۳۰	زمینه درونی
۱۳۲	زمینه اصلی

۱۳۶	زمینه بیرونی
۱۴۰	زمینه‌های بیرونی و تلویحی دلالت‌های ضمنی
۱۴۳	تفسیر عکس بدون عنوان («پاییدن»)، ۱۹۸۳، براساس اطلاعات زمینه‌ای
۱۴۳	«پاییدن» و زمینه درونی
۱۴۵	«پاییدن» و زمینه اصلی
۱۵۱	«پاییدن» و زمینه بیرونی
۱۵۷	بدون عنوان («پاییدن»)، ۱۹۸۳، باربارا کروگر و دسته‌بندیها
۱۵۷	عکسهای توصیفی
۱۵۸	عکسهای توضیحی
۱۵۸	عکسهای تفسیری
۱۶۰	عکسهای ارزیابی اخلاقی
۱۶۱	عکسهای ارزیابی زیبایی‌شناختی
۱۶۲	عکسهای نظری
۱۶۲	شرح اجمالی روند تفسیر
۱۶۵	<b>ل ششم ارزیابی عکس</b>
۱۶۵	نمونه‌هایی از قضاوت
۱۶۷	قضاوتها و دلایل
۱۷۰	قضاوتها و معیارها
۱۷۴	معیارهای مختلف
۱۷۴	واقع‌گرایی
۱۷۷	اکسپرسیونیسم
۱۷۹	فرمالیسم
۱۸۱	ابزارگرایی
۱۸۳	سایر معیارها
۱۸۴	گزینش از میان معیارها
۱۸۶	قضاوتهای مختلف
۱۸۷	قضاوت یعنی استدلال
۱۸۷	ارزیابی مجدد
۱۸۸	قضاوتها و پسندها
۱۹۰	نیت‌گرایی و قضاوتها

۱۹۰	موضوعات مورد قضاوت
۱۹۱	قضاوت راجع به عکسهای رابرت میلتورپ
۱۹۲	دیدگاههای هیلتون کریمر و گریس گلوک راجع به آثار میلتورپ
۱۹۶	سایر دیدگاههای نقادانه درباره آثار میلتورپ
۲۰۱	نتیجه‌گیری
<b>فصل هفتم نظریه: آیا عکاسی هنر است؟</b>	
۲۰۳	نظریه زیبایی شناسی
۲۰۷	نظریه‌ها و منتقدان
۲۰۹	نظریه‌ها و عکاسان
۲۱۱	نظریه‌ها و مورخان
۲۱۱	نظریه‌ها و مسئولان نمایشگاهها
۲۱۲	مروری بر دیدگاههای نظری
۲۱۶	واقعگرایی و قراردادگرایی
۲۱۷	مدرنیسم و پست مدرنیسم
۲۲۵	نظریه و نقد مارکسیستی
۲۳۶	نظریه و نقد فمینیستی
۲۳۹	نتیجه‌گیری
۲۴۳	
<b>فصل هشتم نوشتن و سخن گفتن درباره عکس</b>	
۲۴۵	نوشتن درباره عکس
۲۴۵	مشاهده اثر و یادداشت برداشتن
۲۴۶	مقاله‌ای تفسیری
۲۴۷	مقاله‌ای ارزیابی‌کننده
۲۵۱	فرایند نگارش
۲۵۸	سخن گفتن درباره عکس
۲۶۲	مباحثات درباره هنر در حضور هنرمند
۲۶۳	نقدهای کارگاهی
۲۶۵	
۲۷۲	پی‌نویسها
۲۸۴	کتابنامه
۲۹۴	فهرست اعلام

## درباره نقد هنر

این کتاب درباره خواندن و نوشتن نقد عکس است، تا با استفاده از روندهای نقد بتوان عکسها را بهتر ارزیابی کرد. متأسفانه ما معمولاً نقد و ارزیابی را همسنگ نمی‌پنداریم زیرا در زبان رایج از واژه انتقاد برداشت منفی می‌کنیم: انتقاد در این معنا یعنی قضاوت کردن، قضاوتی عموماً منفی، و اظهار نارضایتی.

در رسانه‌های همگانی، منتقدان را داوران هنر می‌شناسند: منتقدان روزنامه‌ها، رستورانها را با ستاره درجه‌بندی می‌کنند و منتقدان تلویزیون، فیلمها را با یک تا ده ستاره ارزشگذاری می‌کنند تا جنبه‌های قضاوتشان را تقویت کنند. از تمامی آنچه منتقدان هنرمی‌نویسند، غالباً این عبارات نقل می‌شود: «بهترین فیلم فصل!» «خیره‌کننده!» «خارق‌العاده!» این عبارات با حروف درشت در آگهیهای تبلیغاتی سینما و تئاتر ارائه می‌شود زیرا همین عناوین میزان فروش بلیت را افزایش می‌دهد. اما این عبارات تنها بخش کوچکی از کل نظر منتقد را بیان می‌کند، در واقع عباراتی هستند که از کل نوشته استخراج شده‌اند. ارزش این عبارات کوتاه در فهماندن مضمون فیلم یا نمایشنامه، بسیار ناچیز است.

منتقدان نویسندگانی هستند که هنر را دوست دارند و تصمیم می‌گیرند که زندگی خود را در راه اندیشیدن و نوشتن راجع به این مقوله صرف کنند. بل هوکس، منتقد و پژوهشگر مطالعات فرهنگی افریقایی-آمریکایی، درباره نگارش چنین می‌نویسد: «در دوران کودکی جادوی کلمات مسحورم کرد، و هنوز هم، هنگام نوشتن و خواندن، سراپا شور و شوق می‌شوم و به دوردستهای خیال

می‌روم. موقع نگارش دستخط نخستین پیش‌نویسهای همه آثارم، به صدای بلند آنها را برای خودم می‌خوانم، کلمات را با حالت مناسب بیان می‌کنم تا در گوشم بنشینند و احساسشان کنم. می‌خواهم به یقین برسم که دست و پنجه نرم کردنم با زبان به گونه‌ای است که باعث می‌گردد تا واژه‌هایم زنده باشند و نفس بکشند، که از اعماق شوریده درونم به سطح بیایند.<sup>۱</sup> پیترو شلدهال، که زمانی شاعر بود و اکنون به صورت حرفه‌ای نقد هنری می‌نویسد، چنین نظر می‌دهد: «به گونه‌ای منظم از هنر بهره می‌جویم تا چیزی را تجربه کنم - یا شاید همه چیز را، تمامی عالم و هستی را - خودم را جای کسی دیگر می‌گذارم، برای لحظه‌ای پربار نگاه و ذهن شخص دیگری را جایگزین نگاه و ذهن خودم می‌کنم.»<sup>۲</sup> کریستوفر نایت، که از ۱۹۸۹ برای *اُس آنجلس* تایمز نقد هنری می‌نویسد، دقیقاً به این خاطر حرفه موفقیت‌آمیز خویش را، در مقام موزه‌دار رها کرد، زیرا می‌خواست به هنر نزدیکتر باشد: «علت آنکه در زندگی حرفه‌ایم به هنر پرداختم، در وهله اول، برای آن بود که با هنر و هنرمندان در ارتباط باشم. به این نتیجه رسیدم که در موزه‌ها بیشتر وقتتان یا با اعضای هیئت‌امنا می‌گذرد، یا صرف کاغذبازی و امور اداری می‌شود.»<sup>۳</sup>

بعضی از منتقدان، به دلیل برداشت منفی که از این کلمه می‌شود، علاقه ندارند منتقد نامیده شوند. رنه ریکارد شاعر و منتقد هنر در نشریه *آرت فوروم* می‌نویسد: «در واقع من منتقد هنر نیستم. فردی علاقه‌مند هستم. می‌خواهم توجه دیگران را به هنرمندانی جلب کنم که به نوعی الهام‌بخش من می‌شوند تا بتوانم حرفه‌ای درباره اثرشان بنرم.»<sup>۴</sup> مایکل فین‌گولد، منتقد تئاتر نشریه *ویلیج وُیس*، می‌گوید که «نقد باید جنبه مثبت هنر را ارج بگذارد، نه آنکه خشمش را نسبت به جنبه‌های منفی آن ابراز کند.»<sup>۵</sup> همین‌طور لوسی لیپارد از آثار هنری که در باره‌شان می‌نویسد، پشتیبانی می‌کند، اما می‌گوید بعضی وقتها متهم می‌شود به این که انتقادآمیز برخورد نمی‌کند، و اصلاً منتقد نیست. او پاسخ می‌دهد، «این طوری برایم بهتر است، زیرا از این عنوان خوشم نمی‌آید. نگرش منفی نسبت به این عنوان، نویسنده را اساساً در مقابل هنرمند قرار می‌دهد.»<sup>۶</sup> او و دیگر منتقدان نمی‌خواهند مخالف هنرمندان قلمداد شوند.

### تعریف نقد

انتقاد واژه‌ای بسیار پیچیده است و معانی متعدد و گوناگون دارد. در زبان زیبایی‌شناسان که درباره هنر و نقد هنر صاحب‌نظرند، و در زبان منتقدان هنر، انتقاد به اموری دامنه‌دارتر از داوری صرف دلالت دارد. مورس و ایتس، زیبایی‌شناس علاقه‌مند به نقد هنر، برای کسب اطلاع بیشتر، با بررسی این که منتقدان به هنگام نقد هنر چه می‌کنند، به جست‌وجوی وسیعتری دست زد.<sup>۷</sup> او برای نمونه، تمامی نقدهایی را که درباره هملت شکسپیر نوشته شده بود مطالعه کرد. و ایتس پس از مطالعه همه کتابهای نقد که در سالهای متمادی درباره هملت نوشته شده بود، به این نتیجه رسید که منتقدان وقتی نقد می‌نویسند، یک یا چند مورد از موارد چهارگانه زیر را مد نظر قرار می‌دهند: آنها اثر هنری را توصیف، تفسیر و ارزیابی می‌کنند، و درباره آن نظریه‌پردازی می‌کنند. بعضی از منتقدان اصولاً به نقد توصیفی می‌پردازند؛ عده‌ای دیگر توصیف می‌کنند اما عمدتاً به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد تفسیرهایشان؛ و تعدادی هم هر چهار مورد را به کار می‌بندند. و ایتس درباره نقد نتیجه‌گیری‌هایی می‌کند، مهمترین نکته این که هر یک از این موارد چهارگانه جانشین نقد می‌شود و ارزیابی الزاماً بخش ضروری نقد نیست. او دریافت که منتقدانی هملت را، بی آن که در مورد آن داوری کنند، نقد کرده‌اند.

وقتی منتقدان اقدام به نقد می‌کنند دست به کاری بیش از بیان خوشاینها و بدآیندها می‌زنند - کاری خیلی بیش از تأیید یا رد یک اثر هنری. منتقدان آثار هنری را مورد قضاوت، گاهی منفی، قرار می‌دهند، اما بیشتر اوقات قضاوت آنها بیش از آن چه منفی باشد، مثبت است: همان طور که رنه ریکارد می‌گوید، «چرا باید آنچه را که از آن بدمان می‌آید عمومیت بدهیم؟» هنگامی که شلدهال با اثری مواجه می‌شود که از آن خوشش نمی‌آید، چندین پرسش برای خود مطرح می‌کند: «اگر من می‌خواستم این اثر را به وجود بیاورم، چه می‌کردم؟» این یکی از سؤالاتی کاری من درباره اثر هنری است (نه اینکه واقعاً توان انجام این کار را داشته باشم. بلکه صرفاً یک فرض است). فرمول منصفانه‌ام نسبت به اثری که در